**جلسه 38-150**

**دو‌شنبه - 27/09/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

 یک نکته‌ای راجع به بحث قبله در رابطه با این‌که ما باید زمین را مسطح فرض کنیم و بعد قبله را تعیین کنیم یا زمین که کروی هست، طبق همین اصل غمض عین از کرویت زمین برای صدق استقبال قبله لازم است و الا پشت کره زمین غیر آن جهت قبله هر کاری انسان بکند به هر نحوی بایستند نمی‌گویند استقبل القبلة باید کره زمین را مسطح فرض کنیم تا در استرالیا مثلا در آفریقای جنوبی مثلا، این‌ها صدق بکند که ما مستقبل الی القبلة هستیم.

اما ایا این فرض مسطح بودن برای صدق استقبال منشأ می‌‌شود که ما در مناطقی که از نظر علمی خط قوس از آنجا به مکه منحرف به طرف شمال است، بیاییم بگوییم عرف تسامح می‌‌کند و این‌طور حساب می‌‌کند که مثلا نیویورک چهل درجه بالای خط استواء‌ است مکه بیست و یک درجه و نیم، پس مکه جنوبی‌تر است، ما به سمت شرق که می‌آیستیم متمایل به جنوب، ‌نوزده انحراف به جنوب پیدا می‌‌کنیم تا مستقبل قبله باشیم که زمان‌های قدیم این‌طور بوده، مرحوم آقای خوئی هم همین‌طور می‌‌فرمود. یا نه حیث علمی را باید در نظر بگیریم. ما اینجا دیگه دلیل نداریم بر الغاء آن نظر علمی و واقعی. تخیل عرف ناشی از اشتباه در تشخیص مصداق بوده الان فهمیدیم که نزدیک‌ترین خط از نیویورک به مکه خط قوسی است که به صورت انحراف به شمال تا حدودا ده درجه است که الان بر همین اساس قبله نیویورک تنظیم شده که آقای سیستانی هم نظرشان این است. یا در لس‌آنجلس در قدیم نقل کردند افراد که مورد وثوق هستند، آن زمان‌های قدیم که مسجد ساختند، آن سیاه‌های مسلمان ‌که برده گرفته می‌‌شدند آن‌ها به همان سمت جنوب قبله را تنظیم کردند چون به حسب ظاهر می‌‌گفتند ما از کجا آمدیم، از آفریقا ما را آوردند به آمریکا، آفریقا هم که در غرب مکه هست، در آفریقا چطور نماز می‌‌خواندیم همین‌طور که آمدیم به سمت آمریکا، ما را آوردند، حالا پشت می‌‌کنیم به همان سمتی که آمدیم، نماز می‌‌خوانیم. و لذا قبله‌ها را منحرف به جنوب تنظیم می‌‌کردند. مساجد جدید معمولا این‌طور نیست، ‌قبله‌ها را به سمت شمال تنظیم کردند که اختلاف خیلی زیاد است. نقل کردند حدودا نود درجه اختلاف است. یا در کانادا که نزدیک قطب شمال است خطی که از بالای قطب شمال می‌آید مکه خیلی نزدیک‌تر است تا خطی که بخواهد موازی خط استواء بیاید به سمت مکه.

[سؤال: ... جواب:] عرف خطا در مصداق می‌‌کرده می‌‌گوید که قبله قبلا متمایل به جنوب است. الان می‌‌بیند که هواپیماها این‌طور تنظیم می‌‌کنند خودشان را و ‌از جهت علمی تنظیم که می‌‌کنند خط قوسی اقرب الخطوط را به مکه، متمایل به شمال هست.

آیا معیار آن وهم عرفی است کما علیه السید الخوئی یا معیار این تدقیق علمی است که عرف هم متوجه می‌‌شود و تاکنون خطایش در مصداق بوده نه این‌که الان به عرف بگوییم عرف می‌‌گوید من در مفهوم با شما مشکل دارم تا بگویید رجوع می‌‌کنیم به عرف در مفاهیم، ما به علم در مفاهیم رجوع نمی‌کنیم. عرف استقبال قبله را انحراف به جنوب می‌‌داند در مثل نیویورک و امثال آن. ‌نخیر اختلاف در مفهوم نیست اختلاف در مصداق است. مثل این‌که تا حالا مردم فکر می‌‌کردند زمین ساکن است خورشید در حال حرکت، بعد فهمیدند اشتباه می‌‌کردند، زمین متحرک است، دور خودش می‌‌چرخد و شب و روز تشکیل می‌‌شود. ما معنا ندارد که احکام را بر اساس آن درک اشتباه عرف در زمان گذشته از عالم تکوین قرار بدهیم.

در اینجا ما و لو تمایل‌مان این است که همین نظر دقیق که عرف بعد از التفات به موضوع متوجه می‌‌شود معیار است. اما لقائل ان یقول که ما چه اشکالی دارد به اطلاق دلیل صل مستقبل القبلة تمسک کنیم بگوییم هر دو وجه جایز است. اگر هم اطلاق نبود اصل برائت جاری کنیم که نتیجه‌اش تخییر است.

مثال بزنم:

ما در نماز گاهی غیر از همین بحث استقبال قبله اختلاف نظر عرف داریم غیر از اختلاف نظر فقهاء. مثلا در ضاد در و لاالضالین نگاه کنید جواهر را! ‌اختلاف هست. بعضی می‌‌گویند و منهم صاحب الجواهر که باید ضاد را شبیه ظاء بگوییم، شبیه آنچه که عراقی‌ها می‌‌گویند، و لاالظالین. برخی می‌‌گویند باید شبیه دال مفخمه بگوییم، ‌و لاالدالین. صاحب جواهر می‌‌گویند این قرائت دوم غلط است؛ این قرائت مصری‌ها است، شامی‌ها است، قرائت اهل بیت نیست. به زبان حال می‌‌گویند یک وقت نیایید قرائت شیخ محمود الخلیل الحصری را به رخ من بکشید. بله او می‌‌گوید غیر المغضوب علیهم و لاالدالین، ‌ولی او مصری است او دور است از اهل بیت. عراقیین و حجازیین قرائت اهل بیت را یاد گرفتند. این‌ها هم می‌‌گویند و لاالضالین. حالا جالب این است که حجازی‌ها مثل مصری‌ها می‌‌گویند. اشتباه کرده صاحب جواهر. حجازی‌ها ببینید! امام جماعت مسجد النبی یا مسجد الحرام من دقت کردم، همان می‌‌گوید و لاالدالین. حالا اختلاف است، یکی می‌‌گوید آن جور بگو و لاالدالین، و لاالضالین بگویی می‌‌شود ضاء. یکی مثل صاحب جواهر می‌‌گوید مبادا بگویی و لاالدالین، ‌این می‌‌شود دال، دال مفخمه می‌‌شود؛ این درست نیست. حالا ما گفتیم یک راه این است که بگوییم اطلاق دارد. هر دو قرائت صحیح عربی است برخی این را پسندند برخی آن را پسندند. چه اشکال دارد؟ هر دو لهجه عربیه است و هر دو صحیح است.

اگر شک کردیم نفهمیدیم که قرائت صحیحه این هست یا آن هست شبهه مفهومیه است. خب ما احتمال می‌‌دهیم که مخیر باشیم بین القراءتین برائت از تعین این قرائت و برائت از تعین آن قرائت جاری می‌‌کنیم و مخیریم. این مطلبی است که در ذهن ما هست که در بحث خودش باید دنبال کنیم ببینیم آیا این مطالب اشکال دارد یا نه، فعلا طرح بحث می‌‌کنم.

[سؤال: ... جواب:] قدرمتیقن اولا ندارد. چون برخی آن را صحیح می‌‌دانند برخی این را. یعنی عملا برخی نحو اول را اداء می‌‌کنند برخی نحوه دوم را. علاوه بر این‌که قدرمتیقن داشتن که مهم نیست. قدرمتیقن داشتن که منشأ احتیاط نمی‌شود. برائت از تعیین جاری می‌‌کنیم. حالا بحث مفصل است. برخی که اصلا منکر شدند اختلاف بین ضاد و ظاء را گفتند ما اصلا کلمه‌ای به نام ظاء نداریم. یعنی و لاالضالین با سبحان ربی العظیم یکی است. حالا او هم یک قول قابل بحث است.

[سؤال: ... جواب:] چرا قاعده اشتغال را جاری کنیم؟ ... خطابی که می‌‌گوید لاصلاة الا بفاتحة الکتاب یعنی بقراءة عربیة، خب ما در مفهوم قرائت عربیه که این است یا آن است شک داریم. حالا عرض می‌‌کنم این‌ها بحث دارد. آیا این شبهه مصداقیه است که مجرای قاعده اشتغال است یا شبهه مفهومیه است مجرای برائت است. من این‌ها را اظهار نظر قطعی نکردم. باید در جای خودش بحث بشود. می‌‌خواستم طرح بحث بکنم.

در مانحن‌فیه هم کسی بگوید آقا! عرفا استقبال قبله صدق می‌‌کند. عرف می‌‌گوید یک نحوه تشخیص قبله این است که به جنوب متمایل بشود، یک نحوه تشخیص قبله این است که به شمال متمایل بشود، اطلاق دارد استقبل القبلة فی صلاتک و لو اختلاف بشود نود درجه. یک بیان این است که اگر اطلاق هم نداشت اصل برائت جاری کنیم از شرطیت این نحو از استقبال و آن نحو از استقبال؛ نتیجه می‌‌شود تخییر. نمی‌دانیم استقبال قبله به این نحو لازم است که زمین را کاملا مسطح فرض کنیم که می‌‌شود نماز را متمایل به جنوب بخوانیم یا زمین را کروی بدانیم کما هو الواقع که باید متمایل به شمال نماز بخوانیم نمی‌دانیم کدام‌ها را شارع از ما خواسته برائت جاری می‌‌کنیم از تعین این و آن.

و لکن این مطلب ایراد دارد. چرا؟ برای این‌که عرفی نیست که هم این استقبال باشد هم آن.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که فاصله کم حالا یک وقت می‌‌گویید بیست و شش درجه مخل نیست او مطلبی است که امروز باید بحث کنیم. نه فرض این است که او را نمی‌گویید یا فاصله بیش از بیست و شش درجه و نیم است. مثل لس آنجلس حدودا نود درجه اختلاف هست که واقعا یکی به این سمت نماز بخواند یکی به این سمت بگوییم هر دو نمازتان قبول است هر دو به سمت قبله بودید یا نه، عرف این را قبول نمی‌کند؛ بالاخره کدام هایتان به سمت قبله بودید؟ ... وقتی که در یک مکانی است که چه به جلو نگاه کند چه به پشت نگاه کند به یک اندازه به مکه مسافتش هست همآن‌که آقای خوئی گفت صد و هشتاد درجه اینجا عرف می‌‌گوید چه فرق می‌‌کند، همین استقبال قبله است هم آن. او کاملا روشن است. اصلا پشت به هم دادند دو نفر نماز می‌‌خوانند. ... حالا این دیگه جماعت نمی‌شود. یکی به این جلو نماز می‌‌خواند یکی به پشت سر. ... او اشکال ندارد. قبله یکی است خب به این نحو به سمت قبله ایستاده یکی به آن نحو. اما در اینجا به نظر می‌‌رسد که اطلاق مشکل است.

اما اصل برائت را ما قبول نداریم در این موارد. اگر نوبت به شک برسد قاعده اشتغال جاری است. چون عرف از خطاب شارع این را فهمید که استقبل القبلة ‌فی صلاتک یعنی استقبالا عرفیا. استقبال عرفی چیست شارع دخالت نکرده. شارع می‌‌گوید استقبال قبله بکن، استقبال عرفی چیست، خود عرف تعیین می‌‌کند. یعنی اصلا خطاب این است: صل مع رعایة ما یکون استقبالا بنظر العرف.

ما مثال می‌‌زدیم می‌‌گفتیم خیلی از این چیزهایی که می‌‌گویند شبهه مفهومیه شبهه مصداقیه است. شارع می‌‌گوید در منی ذبح کن یعنی آنی که منی است عرفا. از خود شارع لابما هو عالم الغیب بما هو انسان عرفی سؤال کنیم که جناب شارع! آیا این صفح الجبل منی این دامنه کوه در منی جزء‌ منی است یا نه، ‌شارع می‌‌گوید باید از عرف محل بپرسید، من هم مثل شما غریبم در اینجا. الان فرمانداری می‌آید قم بگوید پارک ماشین در خیابان صفاییه ممنوع، مثلا، بعد می‌‌گویند صفاییه کجاست. می‌‌گوید من نمی‌دانم من هم یک چیزی شنیدیم، از کجا تا کجاست من هم نمی‌دانم. خب این شبهه مفهومیه است ولی قانون رفته روی ما یکون خیابان صفاییه عرفا نه آن واقع تفصیلی که بعد بگوییم شک در سعه و ضیق جعل مولی است. نه شک در سعه و ضیق مولی نیست. مولی جعلش مشخص است، پارک در خیابان صفاییه ممنوع است. اما این‌که اینجا خیابان صفاییه است یا نه اصلا شارع دخالت نمی‌کند، اصلا خبر ندارد. اینجا همین است. گفته است آنی که استقبال است و لذا اگر شک بکند باید احتیاط بکنید. برای این‌که احتیاط نخواهید بکنید پس شک نکنید.

س: ‌بنده عرض می‌‌کنم که شک نیست. به سمت شمال بایستید اقرب خط قوس همین است که که به سمت شمال بایستید و هیچ مشکلی پیش نمی‌آید اما اگر شک بکنید، حالا به قول شما این‌ها را که نمی‌شود، ما که در مقام فتوی نیستیم ولی آنی هم که در مقام فتوی است، این‌ها نباید فتوی بدهد. به اندازه مؤمنین مشکل دارند حالا بخواهیم افراد با این فتوی مدام مشکل روی مشکلات مؤمنین زیاد کنند کار خوبی نیست. باید در این موارد احتیاط بکنند که افراد بتوانند به دیگران رجوع کنند.

بحثی که بود این بود که عده‌ای از فقهاء گفتند برای بعید قبله جهة الکعبة است، برای قریب عین الکعبة است. این را محقق حلی در شرایع دارد.

مقدس اردبیلی هم همین را مطرح کرده و توجیه هم کرده. چه جور توجیه کرده؟ ایشان گفته که آقا! خداوند متعال که قبله را اعتبار کرد تدقیق در امر قبله را لازم ندانست. استقبال قبله مثل این است که مولی به عبدش بگوید استقبال کن شهر مشهد را و سلام بده به امام رضا این یک امر عرفی است. وقتی می‌‌گویند استقبال کن شهر مشهد را نمی‌گوید بروید جهت‌نما بیاورید. رو می‌‌کند به سمت شهر می‌‌گوید السلام علیک یا علی بن موسی الرضا. آقا! جهت‌نما بیاورید، قطب‌نما بیاورید چند درجه ببینیم مشهد انحراف به راست دارد انحراف به چپ دارد. این کارها را نمی‌کنند. آخه این پیرمردها، پیرزن‌ها، ‌روستا نشین‌ها، این‌ها همه مامور بودند به صلات نحو القبلة، یعنی این‌ها همه باید تدقیق می‌‌کردند در امر قبله. در هیچ روایتی این تدقیق نیست. چرا، در مورد اهل عراق برخی روایات ضعیفه است که ستاره جدی را بعضی از روایات است که بین الکتفین قرار می‌‌دادند بعضی روایات که خلف منکب یمین قرار می‌‌دهند. این‌ها که هم ضعیف السند است و هم اختلاف دارد. مختص به اهل عراق هم هست. ایشان می‌‌گویند شاهد بر این‌که تدقیق نیست در امر قبله این است که مردم در مسجد قبا خبردار شدند وسط نماز که قبله مسلمین جابجا شدند از بیت المقدِس به سمت مسجد الحرام، وسط نماز برگشتند.

[سؤال: ... جواب:] پیغمبر معلوم نیست آنجا تشریف داشتند. خبر رسید به مؤمنین در قبا. پیغمبر گاهی تشریف می‌‌بردند آنجا نماز می‌‌خواندند. خبر رسید و آنی که مسلم است این است که وسط نماز یک آقایی آمد گفت که حالا شاید آیه را هم خواند که... مسجد ذو قبلتین را کار نداریم. حالا آنجا پیغمبر تشریف داشتند. ... حالا لازم نیست همان نماز باشد. نماز بعدی فهمیدند. در نماز ظهر قبله عوض شد در مسجد ذو القبلتین، این‌ها در نماز عصر ممکن است فهمیدند. بهرحال وقتی فهمیدند وسط نماز همان وسط نماز برگشتند به سمت مسجد الحرام. ... ایشان این‌جور فرموده.

بعد فرموده که بنابراین امر قبله در آن توسعه است. نتیجه این می‌‌شود که برای کسانی که دور از مکه هستند جهت کعبه مهم است نه خود عین کعبه.

فاضل مقداد هم در توضیح جهت کعبه، خوب دقت کنید چه گفته! گفته که یک خطی از مشرق اعتدالی به مغرب اعتدالی بکشید که این خط از بالای کعبه بگذرد، این خط فرضی از مشرق اعتدالی به مغرب اعتدالی که از کعبه می‌‌گذرد قبله افرادی است که دور از مکه هستند. به این خط نگاه بکنند عین کعبه مهم نیست. با این خط فرضی رابطه‌شان رابطه زاویه قائمه باشد. یعنی یک جوری باشد که روبرو بایستند که زاویه قائمه تشکیل بشود نه زاویه حاده یا منفرجه. چون اگر زاویه حاده یا منفرجه بشود می‌‌شود انحراف به مشرق یا مغرب.

این تعبیر مشرق و مغرب اعتدالی در مقابل مشرق و مغرب حقیقی است. جهتش این است: مکه دقیقا در جنوب نیست. بیست و یک درجه و نیم به سمت شمال هست از خط استواء. و لذا اگر شما می‌‌خواهید از مشرق حقیقی به مغرب حقیقی خط بکشید آن خط روی کعبه قرار نمی‌گیرد. شما آن روزی که خورشید می‌آید هنگام ظهر بالای کعبه، هفتم خرداد و بیست و سه تیر، آن وقت او می‌‌شود مشرق و مغرب اعتدالی. آنجا حساب کنید آن جایی که خورشید طلوع می‌‌کند تا آن جایی که خورشید غروب می‌‌کند یک خط تشکیل بدهید، ‌درست مرکز آن یعنی وسط آن می‌‌شود کعبه. این‌جور حساب کنید!

خب انصافا این مطلب درست نیست. آقا! این‌که انسان به آن خط نگاه کند کار به کعبه نداشته باشد این خیلی مشکلات دارد. کسی در جده است، اصلا می‌‌گوید من دیگه کاری به مکه ندارم. من به آن خطی که از مشرق به مغرب کشیده می‌‌شود و وسطش روی کعبه قرار می‌‌گیرد من نگاه به آن خط می‌‌کنم، آن خط وهمی، به سمت او نماز می‌‌خوانم. خب این به سمت کعبه نیست. این حرف‌ها دلیل ندارد. اصلا به قول صاحب عروه کی گفته که قبله برای افراد بعید جهت و سمت کعبه است؟ محقق حلی فرموده اما درست نیست. مگر مقصودشان این باشد که هر چه انسان دور بشود از کعبه محازات عرفیه توسعه پیدا می‌‌کند.

منشأ این مطلب که این‌ها گفتند قبله برای بعید جهت کعبه است، سمت کعبه است و نه عین کعبه چی بوده؟ گفتند آقا! کعبه چند متر طول و عرضش است، حدودا ده متر، این نماز جماعت‌هایی که تشکیل می‌‌شود و صف جماعت ممکن است پنجاه متر باشد، اگر استقبال عین کعبه لازم باشد، خب این‌ها برخی‌شان قطعا مستقبل عین کعبه نیستند. چون کعبه ده متر است، این‌ها پنجا متر خط مستقیم تشکیل دادند. روی این حساب گفتند. اگر روشن بشود که هر چه انسان دور بشود از یک مرکز استقبال عرفیش نسبت به آن مرکز سعه پیدا می‌‌کند و ضیق ندارد و لو استقبال عرفی خود آن مرکز نه جهت و سمت آن مرکز. چرا ما بیاییم عوض کنیم عبارت را بگوییم استقبال سمت الکعبة لازم است برای بعید. نخیر استقبال خود کعبه لازم است. مسامحه عرفیه هم پذیرفته نیست؛ دقت عرفیه باید کرد اما دقت عرفیه همین است که هر چه انسان دورتر می‌‌شود محاذات عرفیه‌اش توسعه پیدا می‌‌کند. این نکته‌اش این است. و الا نه این‌که قبله بعید جهت الکعبة و سمتها است یا محاذات مسامحیه کافی است. آقا! چرا محاذات مسامحی کافی است؟ تسامح عرف اعتبار ندارد. چون خود عرف که تسامح می‌‌کند در مقام احتجاج دیگر تسامح نمی‌کند. اگر به شخصی بگویند تا ساعت دو اگر بیایی جواب این مسأله را بدهی به تو یک ملیون جایزه می‌‌دهیم، اگر دو و یک ثانیه بیاید دیگه جایزه به او نمی‌دهند، او هم حق اعتراض ندارد. و لو در مقام مسامحه تا چند دقیقه بعدش هم می‌‌گوید ساعت دو آمدم کجا بودی. ولی همین آقایی که می‌‌گوید ساعت دو آمدم کجا بودی اگر مقام احتجاج و پول دادن باشد می‌‌گوید ببین دو و یک ثانیه بود، یک ملیون که سهل است یک ریال هم به تو نمی‌دهم. جواب آوردی ممنون اما گفتم تا دو جواب بیاوری یک ملیون. در مقام احتجاج مسامحات عرفیه را از عرف اخذ نمی‌کنیم. پس محاذات عرفیه به چه درد می‌‌خورد؟ محاذات عرفیه به نظر دقی عرف. منتها هر چی دور می‌‌شویم از مکه این محاذات عرفیه به نظر دقی توسعه پیدا می‌‌کند. چقدر توسعه پیدا می‌‌کند بحث در این است.

آقای خوئی فرموده است ما با یک ضابط علمی مشخص می‌‌کنیم برای‌تان چه مقدار کافی است استقبال قبله. با این محاسبه معلوم می‌‌شود تا بیست و شش درجه انحراف به چپ یا راست مانعی ندارد. قبله در حرم حضرت معصومه بیست و سه درجه انحراف به راست دارد، درست؟‌ در آن بخش قدیم حرم یا آن مسجد بالاسر، نه آن جایی که اخیرا ساختند که قبله مستقیم به نظر می‌آید و لذا بالاسر نگاه کنید قبر مرحوم بروجردی رضوان الله علیه کج است. قبله او است. خود حرم حضرت معصومه هم، آن سنگ قبر کج است. آقای خوئی فرمودند بیست و سه درجه انحراف به راست دارد قبله، این علمی است. اما شما تا بیست و شش درجه به این طرف نماز، بیست و شش درجه به آن طرف، نماز مغربت را مستقیم بخوان به سمت آن در، نماز عشائت را بیا به سمت آن زاویه بخوان. هیچکدام بیشتر از بیست و شش درجه نیست.

چرا‌؟ آقای خوئی فرموده اولا فکر نکنید من این حرف را می‌‌زنم. استادم مرحوم نائینی این مطالب را گفته و درست هم گفته. ضابطه چیه که شما این‌جور فرمودید؟ ایشان فرموده ببینید! اصلا استقبال یعنی چه؟ مثلا می‌‌گویند استقبل القبلة بذبیحتک یعنی مقادیم بدن ذبیحه رو به قبله باشد یا اگر ذبیحه ایستاده است آن رویش به سمت قبله باشد. انسان هم همین است. وقتی می‌‌گویند استقبل یعنی رویش به سمت قبله باشد، وجهش به سمت قبله باشد. وجه علامتش آن پیشانی انسان است، ‌جبهه انسان است. پیشانی انسان حدودا چهار انگشت مضموم است، روی پیشانی‌تان. چهار انگشت که می‌‌گذارید روی پیشانی‌تان این مواجه اگر بشود با کعبه می‌‌گویند استقبل الی الکعبة. البته بقیه بدن هم به تبع همین پیشانی‌تان به سمت قبله باشد. چهار انگشت از کل محیط سر حساب بشود می‌‌شود یک هفتم. یعنی بیست و هشت انگشت کل سر می‌‌شود، چهار انگشت می‌‌شود یک هفتم. کل محیط سر سیصد و شصت درجه می‌‌شود. یک هفتمش چقدر است؟ پنجاه و دو. این را داشته باشید!

مصلی وقتی می‌آیستد نماز بخواند یک دائره صغرایی دور خودش تشکیل می‌‌شود و یک دائره کبرایی هم هست که محیطش از کعبه عبور می‌‌کند و این مصلی در مرکز آن دائره قرار گرفته. یعنی مصلی در مرکز دو دائره است: دائره صغری که دور خود این مصلی است، یکی دائره کبری که محیط این دائره کبری از کعبه می‌‌گذرد. و این مصلی در مرکز این دائره کبری واقع شده. استقبال این شخص به این است که در این پنجاه و دو درجه قرار بگیرد که در این پنجاه و دو درجه که حساب کنیم، این پنجاه و دو درجه در دائره صغری محاذی آن کعبه‌ای است که محیط دائره کبری از او می‌‌گذرد. خب این پنجاه و دو درجه نصفش می‌‌شود بیست و شش درجه. و لذا شما اگر کعبه یک نقطه‌ای باشد در این پنجاه و دو درجه می‌‌توانید نوسان بدهید. بیست و شش درجه بیایی این طرف در این پنجاه و دو درجه هستید، چون در این پنجاه و دو درجه مرکزش کعبه است یعنی وسط این پنجاه و دو درجه است. می‌‌توانید از وسط این پنجاه و دو درجه بیست و شش درجه بیایید این ور، هنوز گوشه‌ای از جبهه شما رو به کعبه است. می‌‌توانید هم بیست و شش درجه بروید آن طرف، گوشه دیگری از جبهه شما از همان چهار انگشت به طرف کعبه است. و لذا معنایش این می‌‌شود که تا بیست و شش درجه انحراف مضر به محاذات قبله نیست عالما عامدا.

اما انصاف این است که این مطلب به هیچ وجه قابل قبول نیست. تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.